

شعارها و واقعیت

دولتهای شاه همه با وعده هنی طلائی بر سر کار آمده اند . همه بمرم قول داده اند ، که در راه بهبود و رونق اوضاع قدم بر دارند و ریشه فقر و بدبختی و بی عدالتی را بسوزانند ، مبارزه با فساد ، نو سازی ، انقلاب سفید ، ایجاد رونق اقتصادی ، و امثال این عبارات طلی سالهای اخیر بعد تنوع آوری تکرار شده و میشود . اما روشن است که حتی اگر عشری از اعشار این وعاید و اقوال بمرحله عمل درآمده بود کشور ما امروز نمونه یک کشور فقیر و عقب مانده و بی سر و سامان نبود . بین آنچه هیئت حاکمه ایران ادعا میکند و آنچه عمل می نماید تفاوت فاحشی است . داعیه و تأمین عدالت اجتماعی ، از دعای پر سر و صدای شاه و یکی از مواد تغییر ناپذیر برنامه های دولتهای منصوب او بوده است . شاه از آغاز سلطنت خود وعده تأمین عدالت اجتماعی بمرم داده و اکنون هم مدعی است که عدالت اجتماعی برقرار و امتیازات طبقاتی از میان برداشته شده است . برای آنکه به بینندگان این ادعای شاه تا چه حد منطبق با واقعیت است باین نوشته مجله بیا توجه نمایید :

سر زمینی که در آن گل از هاند وارد کنند و پیش از دانمارک و عده ای هم ، بیفتک ، با هوا پیمای از فرانسه و جمعی دیگر جاو بیمارستانها صف بکشند تا خون خود را بفروشند و با پول آن قوت چند روزهای بدست آورند ، این سرزمین به یار و تعادل نزدیک نمیشود دواز انسانیت است که دستگاه گرداننده که (ادعای آباد کردن دارد) غرق ناز و نعمت باشد در حالیکه اکثریتی برای حوائج اولیه خود سرگردان بمانند . از عدالت اجتماعی شاهانه که بگذریم وعده های او و دولتهایش دربره کن ساختن بیکاری پیوسته بهترین سوره برای ستون فکاهی مطبوعات ایران بوده است . علم در آغاز زمامداری مدعی شد که تا سه ماه دیگر بیکاری را در کشور ریشه کن خواهد کرد . اما پس از چندی اطلاعات نوشت ، بدبختانه بیکاری و بی بولی بطور وحشتناکی حقیقت دارد ، و همین اواخر آقای خسرو شاهی رئیس اتاق بازرگانی تهران اعتراف کرد که در کشور ۱ میلیون بیکار وجود دارد . مبارزه با گرانی و تقلیل هزینه وحشتناک زندگی از مواد ثابت برنامه های دولتها بوده است اما صرف نظر از واقعیت زندگی ، اخبار روزنامه ها دروغ دولتها را فاش میکند روزنامه کیهان می نویسد : « هزینه زندگی نسبت به سال ۱۳۳۸ در صد گران تر شده است و رابعد نمایانده منتخب شاه در مجلس اعتراف میکند که : « خرج زندگی طاقت فرساست . زندگی برای کسانی که حتی تا ۱۰۰۰ تومان حقوق میگیرند طاقت فرساست .) تأمین دموکراسی ورد زبان شاه و دولت های اوست . شاه در این ادعا تا آنجا پیش می رود که خود را با « جفرسون ، برابر میداند ! او مدعی است که یکی از نخستین کارهایش احیاء مشروطه و دموکراسی بوده است . اما به بینندگان این احیاء کننده دموکراسی بر سر قانون اساسی و مشروطیت ، احزاب و مطبوعات چه آورده است . از بروت دموکراسی شاهانه است که قانون اساسی را مخدوش کردند ، بزرگ پانداختند .

دانشجویان ایرانی خارج از کشور !

توطئه جدید سازمان امنیت را عقیم گذارید

توطئه سازمان امنیت با مقاومت شدید دانشجویان ایرانی روبرو شد و علیرغم تعدید نکردن چندماهه گذرنامه ها و یا تعدید موقت آنها ، سرانجام توطئه عقیم ماند . اینک سازمان امنیت میخواهد آزموده را از نو بیازماید . توطئه جدید مؤید این حقیقت است که اولاً مبارزه دانشجویان ایرانی در خارج از کشور برای دفاع از حقوق صنفی خود و بر ضد رژیم کودتا مبارزه مؤثریست بطوریکه دائماً موجب ناراحتی خیال شاه و نوکران اوست . ثانیاً رژیم کودتا علیرغم تمام عوامفریبها ، برای درم

اطلاعیه بوروی کمیته مرکزی

در باره تغییرات اخیر در اتحاد شوروی

از آنجا که تغییرات در رهبری حزب و دولت شوروی انتظار عمومی را جلب کرده و سؤالاتی را بر انگیزته است ، حزب ما سودمند میسرمد نظر خود را در این باره بیان دارد :

تغییر در رهبری احزاب برادر امر داخلی هر حزبی است آنچه که دارای اهمیت ویژه ایست خط مشی حزب است . احزاب کمونیستی و کارگری جهان و از آنجمله حزب ما بجز کمونیست اتحاد شوروی بمشابه کروهان پیشاهنگ نهضت کمونیستی جهانی مینگرند و لذا خط مشی این حزب مورد توجه خاص آنهاست . خط مشی این حزب کمونیست اتحاد شوروی که از دوران کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی بدید شد و بیش از پیش مشخص گردید ، بعلمت صحت اصولی خود و انطباق خویش با واقعیت جهان امروز مورد پشتیبانی اکثریت عظیم احزاب برادر و از آنجمله حزب ما قرار گرفت : مبارزه در راه صلح و همزیستی مسالمت آمیز سیستم های اجتماعی و اقتصادی مختلف ، مبارزه در راه کاهش و خاتم اوضاع بین المللی و حل مسائل مورد اختلاف از طریق مذاکره ، مبارزه در راه خلع سلاح عمومی و کامل و توسل به اقدامات مشخص برای دور کردن خطر مهیب جنگ اتمی از بشریت و تمدن او . مبارزه بر ضد کیش شخصیت ستالین ، پشتیبانی بی دریغ از جنبش رهایی بخش خلقها و بسط روابط همه جانبه با خلقهای وارسته از استعمار ، مبارزه بسود خلافت مارکسیستی و بسط دموکراسی سوسیالیستی چنین است خطوط عمده این خط مشی . این خط مشی درست لنینی ثمره تصمیمات جمعی در کنگره های ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ است . احزاب برادر در جلسات مشاوره بقیه در صفحه ۲

دروغ پردازی ملوکانه

جلوتر گذارده ایم ، اینست تصویری که شاه از حال و آینده مردم و میهن ما در گفتار های خود عرضه میدارد :

برای آنکه معلوم شود تا چه حد این تصویر خطا و بر خلاف واقعیت است باید از طرفی اقدامات باصلاح ، انقلابی ، شاه و از طرف دیگر واقعیت زندگی مردم را مورد مطالعه قرار داد . برای وقوف بکنه اقدامات ، انقلابی ، شاه اول باید دید چرا شاه که خود از مالکان بزرگ و متکی بقوئدالها و ارتجاعی ترین قشر های اجتماع ایران بود بفرموده ، انقلاب ، افتاد جواب این سؤال بسیار روشن است . بجزان عمیق ودائم التزاید اجتماعی ایران ، بیداری مردم که محصول سالها مبارزه حزب توده ایران و احزاب و جمعتهای مترقی ملی است ، تحولات سریعی که در جهان پس از جنگ بوجود آمده و ضربت های محکمی که باستعمار وعوامل دست نشانده آن در کشورهای مستعمره وارد شده و میشود ، شاه و استعمار را در مقابل چنان وضع انفجاری قرار داد که بنهارز مبلایست چاره ای بقیه در صفحه ۳

دانشجویان ایرانی خارج از کشور !

توطئه جدید سازمان امنیت را عقیم گذارید

توطئه سازمان امنیت با مقاومت شدید دانشجویان ایرانی روبرو شد و علیرغم تعدید نکردن چندماهه گذرنامه ها و یا تعدید موقت آنها ، سرانجام توطئه عقیم ماند . اینک سازمان امنیت میخواهد آزموده را از نو بیازماید . توطئه جدید مؤید این حقیقت است که اولاً مبارزه دانشجویان ایرانی در خارج از کشور برای دفاع از حقوق صنفی خود و بر ضد رژیم کودتا مبارزه مؤثریست بطوریکه دائماً موجب ناراحتی خیال شاه و نوکران اوست . ثانیاً رژیم کودتا علیرغم تمام عوامفریبها ، برای درم



فر خنده باد انقلاب کبیر اکتبر !

زنده باد دوستی ایران و شوروی !

تاریخ نشان داد که ایجاد جامعه ای میری از استثمار انسان از انسان ، جامعه ای که همه حیات ذو جوانب اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی در آن طبق رهبری علمی و آگاهانه حرکت کند ، جامعه ای که در آن دوستی خلقها و همکاری اعضا تأمین گردد ، جامعه ای که در جنگ تجاوزکارانه و توسعه طلبانه ، در استعمار سرزمین ها و خلقها نفعی نداشته باشد ، امری است شدنی . تردیدی نیست که این تجارب در عین حال دشواری اجراء بقیه در صفحه ۲

دروغ پردازی ملوکانه

شاه در دو روز متوالی دو سخنرانی یکی در انستیتیوی بررسی آفتهای نباتی بمناسبت جشن دهقان و دیگری در مجمع دانشجویان ایرانی مقیم امریکا بعمل آورده است . او در هر دو سخنرانی کوشش کرده تصویری از وضع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی ایران پس از باصلاح ، انقلاب ، شش مادهای بدست دهد . شاه مدعی است که با اجرای ، انقلاب ، شش مادهای « امروز دیگر امتیاز طبقاتی در این مملکت وجود ندارد ، روابط کهنه ارباب رعیتی ناپود شده ، صنایع اساسی ملی شده و گویا بلادازه ای ، در این قسمت ها پیش رفته ایم که شاید بعضی قسمت های موجود را باید دولت از خودش دور بکند و آنرا در اختیار مردم بگذارد ، همچنین ریشه های فساد در حال ریشه کن شدن است و اکنون بین یک بقال و یک صاحب کارخانه و زارع و تاجر فرقی وجود ندارد و همه در مقابل قانون یکسانند . شاه میگوید که : « انقلاب ششم بهمن ما اصول اجتماع ما را بکلی دگرگون و زیور و کرده و امروز در مملکت ایران هیچ منفعتی غیر از منفعت اکثریت این مملکت مورد نظر نیست . هر قانونی که وضع شده است برای تأمین منافع اکثریت است ، در قبال تأمین منافع اکثریت اقلیتها نیز میتوانند کاملاً از قوانین عادلانه برخوردار باشند . شاه ضمناً تشکیل مسیاه جدیدی را بدین نحو اعلام میدارد : « همانطوریکه برای مبارزه با عیسوادی سپاه دانش ایجاد شد ، همان طوریکه برای مبارزه با امراض ومدوای مریمتهای این کشور سپاه بهداشت تشکیل شد ، برای رهنمایی کمت و مساعدت یشرکتهای تعاون و سایر کار های که جنبه آبادانی و ترویج در این مملکت دارد سیاهی بلم ، ترویج و آبادانی ، تأسیس خواهد شد .

شاه و عده میهد که در آینده نزدیک ، کشاورزان مملکت حتی پس از آنکه بشن کهلوت رسیدند تأمین اجتماعی داشته باشند و از مزایای باز نیستگی استفاده کنند ، شاه برمیلا میگوید که « مساعیر اقدامات اجتماعی که برای تأمین رفاه و آسایش اکثریت ملت صورت گرفته است بلادازه خارج از انتظار جلورفته ایم که باید بحقیقت گفت که ما از این حیث از معالک سوسیالیستی مانند سوئد و نروژ هم در مراحل اول پازا

ایروز ها مردم اتحاد شوروی و سرابای بشریت مترقی جشن چهارم و هفتمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را که برهبری پیشوای داهی زحمتکشان ولادیمیر ایلیچ لنین در یک ششم جهان پیروز گردید برپا میدارند .

گذشت زمان عظمت واقعه ای را که چهل و هشت سال پیش رخ داد و منجر به پیدایش نخستین کشور سوسیالیستی تاریخ گردید و مبدائی برای تکان نیرومند عقول و قلوب و بیداری وسیع مردم اسیر و در بند شد بیش از پیش روشن میسازد . از آن هنگام سیر تاریخ بیش از پیش تحت تأثیر این واقعه شگرف قرار میگردد . تحولات دورانسی مانند شکست فاحش فاشیزم ، پیدایش اردوگاه سوسیالیستی ، پیروزی انقلاب در چین ، فرو ریختن بنای فرتوت استعمار ، بسط جنبش انقلابی و رهایی بخش ، دگرگونی عمیق در اندیشه ها ، همه و همه تحت تأثیر این حادثه است .

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که فرزند انقلاب کبیر اکتبر است در کار ساختمان نظام سوسیالیستی و پایه مادی و فنی جامعه کمونیستی به کامیابیهای بزرگ نائل شده است . تجارب مفتح

اعتراف بشکست

وقتی دولت منصور سیاست خود را در مورد راه رشد اقتصادی و صنعتی کردن ایران ، توسعه سرمایه داری خصوصی در برابر محدود کردن بخش دولتی اقتصاد اعلام کرد ، ما متذکر شدیم که از این راه غیر ممکن است بتوان عقب ماندگی ۱۵۰ ساله ایران را از کشورهای جلو افتاده صنعتی از بین برد . بر عکس . در پیش گرفتن چنین راهی این فاصله را روز بروز زیاد تر میکند و این نکته ایست که حتی برخی مقامات مسئول اقتصادی ایران هم بدان معترفند . برای از بین بردن عقب ماندگی ۱۵۰ ساله ایران طی مدت کوتاه باید بتوان آهنگ رشد سریع ، تراکم وسیع سرمایه ، برنامه علمی و سازمان متمرکز بوجود آورد . و برای چنین کاری باید تسلط امپریالیزم را که هم ثروت ما را بغارت میرد و هم مانع تراکم وسیع سرمایه از منابع داخلی است از بین برد ، بقایای مناسبات کهنه قنودالی را بکلی ریشه کن ساخت ، صنایع سنگین ایجاد بقیه در صفحه ۳

بقیه از صفحه ۱

فرخنده باد انقلاب کبیر! زنده باد دوستی ایران و شوروی!

این امر، فراز و نشیب و نوسانات آنرا نیز نشان داد ولی نکته اصلی و عمده در پیروزی سوسیالیسم عری و در کامیابی آن آزمون تاریخی عظیمی است که ولادیمیر ایلیچ لنین در سال ۱۹۱۷ آغاز اجراء آنرا با پیروزی انقلاب کبیر اعلام داشت.

حزب کمونیست اتحاد شوروی در تمام مراحل دشوار و فزاینده تکامل جامعه شورویلیافت خویش را برای درک ضرورتها و اتخاذ تصمیمات مشتق از واقعیت به ثبوت رساند و به همین جهت توانست حیثیت عظیم خود را بعنوان پیشگام نهضت کمونیستی جهانی به ثبوت رساند.

در زیر رهبری این حزب امروز اتحاد شوروی به عظیم ترین قدرت مادی و معنوی بدل شده است. برای ما ایرانیان این امر که در همسایگی شمالی ما بجای کشور عقب مانده روسیه قدیم و حکومت مرتجع و متجاوز تزارها، کشور پیشرفته و صلحجوی اتحاد شوروی و حکومت انقلابی و مترقی شوراها پدید شده دارای اهمیتی وصف ناپذیر است. ما بسیاری از تحولات مثبت سیاسی و اجتماعی کشور خود را طی قریب نیم قرن اخیر بهین حسن جوار مدیونیم.

هیئت حاکمه ارتجاعی ایران طی تمام حیات اتحاد شوروی میکوشید که بین ما و همسایه شمالی دیواری نفوذ ناپذیر بکشد و سیاست ایران را متوجه غرب استعماری کند. سیر زمانه ادامه این سیاست مآذراء ارتجاعی را برای وی بیش از پیش غیر ممکن میسازد. بهبود نسبی که اخیراً در مقام سبابت دولت ایران با اتحاد شوروی بوجود آمده است ثمره واقعیت های انکار ناپذیر دوران ما، ثمره آنست که دیگر نمیتوان اتحاد شوروی، اردوگاه سوسیالیستی را در حیات بین المللی نادیده گرفت و بدان کم بها داد.

فرو ریختن دیوار جدائی و یخچیری بین

بقیه از صفحه ۱

اطلاعه بوروی کمیته مرکزی

درباره تغییرات اخیر

در اتحاد شوروی

۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ همین خط مشی را تأیید کردند و آن را در اسناد مصوبه خویش بیان داشتند و بسط دادند. بنظر ما رفیق خروشچف در مقام دبیر اولی حزب کمونیست اتحاد شوروی از جهت اجراء این خط مشی مصداق خدماتی است. آنچه برای ما شاہان اهمیت و توجه است، ادامه و تحکیم و بسط این مشی لنینی است. رهبری نوین حزب و دولت شوروی وفاداری بی خلل و خدشه خود را باین مشی صریحاً اعلام داشته است. ما اطمینان داریم که رهبری نوین حزب و دولت شوروی برای اجراء این مشی در اوج لازمه است و به همین جهت بنوبه خود از هر گونه همبستگی و پشتیبانی دریغ نخواهیم داشت.

ما امیدواریم که حزب کمونیست اتحاد شوروی در راه تأمین و تقویت وحدت و همبستگی جنبش جهانی کمونیستی، در راه پشتیبانی از نهضت های رهایی بخش ملی، در راه بسط خلاق مارکسیسم - لنینیسم و دموکراسی سوسیالیستی و رهبری جمعی به کامیابیهای عظیم تر از پیش ناآید.

بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۶ مهر ماه ۱۳۴۲

بقیه از صفحه ۲

شعارها و واقعیت

از برکت همین دموکراسی است که مجلس شورای ملی به محفل نوکران دست نشانده شاه تبدیل شده و باز در سایه همین دموکراسی است که احزاب و شهبخته ملیون و مردم و ایران نویسن جلی احزاب اصیل و ملی را گرفته اند. بلای را که دموکراسی شاهانه بر سر مطبوعات ایران آورده است بهتر است از زبان خود آنان بشنوم. روزنامه اتحاد ملی به زبان بی زبانی اعتراف میکند که مطبوعات ایران جرأت و قدرت انعکاس حقایق را ندارند. روزنامه اتحاد ملی مینویسد: «مقامات بعضی مواقع آطوریکه باید و شاید قادر نیستیم منعکس کننده افکار عمومی باشیم و بهین علت کوش میخوانیم و همینکه اوضاع و احوال مساعد شد نگفتمی ها را میگوئیم و می نویسیم». به برنامه هریک از دولتهای شاه که نگاه کنید تأمین بهداشت مردم از مهمترین مواد آنست حال ببینید در پرتو این دعاوی، بهداشت کشور چه وضع رقت انگیزی دارد. نماینده لخلخل یعنی مدیر مجله تهران مصور که از سر سپردگان دربار شاه است در مجلس اعتراف نمود که «در خلخال حتی یک پزشک هم وجود ندارد و لخلخل شهر مرگ و میر است». سازمان بهداشت جهانی اعلام نموده است که در ایران ۳۰ درصد مردم یعنی ۶ میلیون نفر مبتلا به تراخم اند که در حدود ۲۰۰۰۰ نفر آنان تا بحال کور شده اند و ۲۴۰۰۰۰ نفر بینائی خود را تا حدی از دست داده اند. روزنامه اطلاعات در شماره ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۳ تحت عنوان «اینست آنچه در بیمارستان پهلوی بزرگترین بیمارستان ایران بچشم میخورد» مینویسد: «هر روز صبح آفتاب که سر میزند دهها بیمار شهرستانی و تهرانی، زنجر و ناتوان مقابل در بیمارستان پهلوی روی اسفالت سرد کمر پیاده رو، اینطرف و آنطرف نشسته اند. ساعت ۵ صبح مقابل درمانگاههای این بیمارستان خوشانی است. هر گوشه صدای ناله های شنیده میشود. اینها در انتظار تخت خالی امروز میروند و فردا می آیند». و این امروز و فردا ها چند بار تکرار میشود. چند تن بیمار سخت در این میان میمیرند و چند تن دیگر تخت خالی گیرشال میابد. دکتر رهزوردی نماینده مجلس به مخبر اطلاعات میگوید: «هم اکنون در دهات ما مردم روستاها به بیماریهائی از قبیل دققرتی سیاه سرفه، تراخم، کچلی، اسهال و سایر بیماریهائی دیگر مبتلا هستند که بهیچوجه دسترسی به پزشک و دارو ندارند.

در بودجه هریک از دولتهای شاه مبالغی برای «خانه سازی، تخصیص یافته اما اکنون پس از چند سال تعداد زائغه نشینات حتی در پایتخت کشور، چندین برابر افزایش یافته است. در تهران و شهرستانها خانواده های چند نفری، در چهار دیواری بدون درو پنجره ای ازخشت و گل بنام اطاق بسر میروند و چندین میلیون دهنشین در کنار گاو و گوسفند از آغل زندگی میکنند. بموجب فرمان ۶ ماده ای شاه زنان ایران آزاد شده اند. دلیل این امر به زعم شاه وجود چند زن دبیاری در مجلس شورا و سنلست. اما حتی خوش باورترین مردم نمیتواند روزگار سیاه این «آزاد زنان» را از خلال همان چند خبر کوچک در باید. مادری که فرزندانش را از او جدا کرده اند به یکی از روزنامه ها چنین مینویسد: «چه شهانی که در برابر منزل پدرش و برادرش و هم یاس میدهم شاید سایه بچه هایم را بر دیوار اطاق آنها به بینم. حاضریم همه اموال، جهیزیه هایم، اموال شوهرم و هرچه بخواهند به آنها بدهم تا کودکانم را بمن باز گردانند من فقط به امید آنها زنده ام». روزنامه دیگری مینویسد: «دختر ۱۲ ساله ای در یز بر چند مقال تریاک به مرد ۵۵ ساله ای بیار آورد.

حزب توده ایران چهل و هفتمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر را از صمیم قلب از جانب خود و همه مردم ایران شادباش میگوید و مردم ایران را به مبارزه در راه بسط روابط دوستانه با زادگاه این انقلاب بزرگ - اتحاد جماهیر شوروی دعوت میکند.

جوانان ایران از مبارزه مردم

قبرس پشتیبانی کردند

فدراسیون جهانی جوانان دمکرات رور دوم آبان (۲۴ اکتبر) را بعنوان روز همدردی با جوانان و مردم قبرس تعیین کرده است.

در این روز جوانان جهان با کنفرانسها، جلسات، فرستادن هیئتهائی، سفارتهای ترکیه، انگلستان و امریکا، تلگراف سازمان ملل متحد و نوشتن مقالات از یکبار مردم قبرس پشتیبانی کردند. امپریالیستها و هم پیمانان آنها مایل نیستند کشور قبرس را که یک نقطه مهم نظامی است آزاد بگذارند. دولت ترکیه با کمک امپریالیستهای انگلیسی و امریکائی به تجاوز خود در قبرس ادامه میدهد. در همین تابستان بود که بمب افکنهای ترکیه دهات قبرس را با بمبهای آتشزای خود سوزاندند، صدها نفر زخمی شدند و دهها نفر در اثر سوختگی جان دادند.

مردم جمهوری قبرس متحدان آزادی و استقلال خویش دفاع میکنند. مردم مترقی جهان، کشورهای صلحدوست و حکومتهای سوسیالیستی در این مبارزه پشتیبان آنان اند. جوانان ایران بنوبه خود مبارزه دلاورانه جوانان قبرس در راه آزادی و استقلال خویش درود میفرستند و کامیابی آنها را در یکبار مقدس خویش آرزو میکنند.

شوهر داده شد.

لغو رژیم ارباب - رعیتی «درخشان ترین» جزء فرمان ۶ ماده ای شاه و نافذ شده است. شاه دمدم از آزاد شدن دهقان ایرانی سخن میگوید و بر ۱۵ میلیون مردم روستا نشین مت بار میکند که با یک «انقلاب سفید»، رژیم ارباب - رعیتی را مافی نموده است. اما دو خبر از مجله تهران اکونومیست و روزنامه باشاد وجود رژیم ارباب - رعیتی و تیره روزی دهقان ایرانی را بروشنی اثبات میکند. تهران اکونومیست در ۲۱ شهریور ۱۳۴۳ مینویسد: «مخبرین ما از اطراف تهران اطلاع میدهند که مرحله اول این قانون هنوز در برخی از دهات نزدیک به تهران (ورامین - گرمسار) و امثال آن ابدا انجام نشده و معلوم نیست چرا در این نقاط اقدامی نسبت به این امر حیاتی نشده و مایه تأسلف است. چه زارعین توسط زمین و آسمان ملق هستند، روزنامه باشاد زندگی دهقانان ایران را چنین توصیف میکند: «از یک دهقان انگلیسی یا هلندی بپرسید آیا حاضر است در خانه ای که با خشت ساخته شده و به دیوارش حتی کج نمالیده اند و پنجره شیشه ای هم ندارد و برق هم ندارد و آب جاری هم ندارد زندگی کند و آنوقت اگر مریض شد برای دست یافتن به طبیب و دارو باید بشهر برود و اگر سردش شد تاباله روشن کند و گاو و گوسفند و مرغ و زنت و بچه اش هم با او در یک جا و زیر یک خلاق زندگی کنند؟» خواهد گفت که چنین چیزی نیست و بعد به او بگوید که مملکتی وجود دارد که از ۵۰۰۰۰۰۰ دو و روستایش بیش از ۲۰۰۰۰۰ ده لاقل همین وضع را دارند و خواهید دید که باور نخواهد کرد.

تکرار و تدهای بدون عمل حتی به خوش باورترین مردم اثبات نموده است که به این دستگاه فاسد و ناصالح و دروغگو نباید امید بست. مردم نه به دعاوی دهان پر کن شاه اعتناء دارند و نه بوعده های دولت های او باور میکنند. مردم مبارزه میکنند، یک نظام عادلانه را جانشین نظام فاسد کنونی سازند.

میشو

بقیه از صفحه ۱

دروغ پردازی ملوکانه

کرد، کشور را از نفوذ سرمایه‌های خارجی نجات داد، زندگی حتمکشان را بهبود بخشید، آزادی‌های دموکراتیک را برقرار کرد، صنایع نفت ملی شده را از چنگال غارتگران خارجی بیرون آورد، دست استعمارگران را از کشور کوتاه نمود و راه رشد سریع کشور را هموار کرد. شاه از دست زدن به چنین اقداماتی عاجز است و دیر یا زود زیر بار سنگین تبلیغات دروغ و ریاکارانه خود و در مقابل تشدید بحران اوضاع ایران ناچار است بزانو درآید.

بقیه از صفحه ۴

شکست حزب محافظه کار...

معرفی کرد. روزنامه «تایمز» نیز بنوبه خود علاقه خود را باین امر بیان داشت.

صرف نظر از اینکه پیروزی حزب کارگر منشأ تغییر قابل توجهی در سیاست داخلی و خارجی انگلستان نخواهد شد، ولی شکست حزب محافظه کار را باید شکست برنامه یک حزب ارتجاعی بشمار آورد. این حزب در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی با شکست فاش روبرو شد. شکست رسوایی امپریالیسم انگلستان در ماجرای حمله بر کانال سوئز، شکست در تلاش برای ورود به بازار مشترک، اشکالات مهم اقتصادی و مالی کنونی، ازرو آوردن حزب محافظه کارست. موازنه پرداخت‌های انگلستان اکنون در حدود ۴۰ تا ۵۰ میلیون پوند استرلینگ کسر دارد. تولید صنعتی انگلستان در حال رکود است. موقعیت انگلستان در صحنه جهانی در طول ۱۳ سال اخیر تضعیف شده است. انتظارات اخیر انگلستان بخواهی نشان داد که مردم انگلستان دیگر حکومت حزب محافظه کار، برنامه و سیاست آنرا تأیید نمیکنند. ولی نکته اساسی آنست که حزب کارگر نیز قادر بحل مشکلات کنونی جامعه انگلستان نیست. این مشکلات ناشی از حاکمیت سرمایه داری انحصاری و ناشی از ماهیت امپریالیستی رژیم انگلستان است. هر حزب و دولتی که بخواهد در حاکمیت سرمایه داری انحصاری و در کنار ادامه سیاست امپریالیستی عمل کند، پیشپیش، خرفاصله زمانی کوتاه یا بالنسبه طولانی خود را بشکست محکوم کرده است. این سیر تکامل تاریخ است و راه گریزی از آن نیست.

بقیه از صفحه ۴

سیاست دولت ایران در مورد قبرس

رژیم شاه در چرخه اول متوجه جمهوری متحد عرب و رئیس آن جمال عبدالناصر است. حوادث قبرس و منازعه میان یونانیان و ترک‌های این سامان فرصتی بدست رژیم شاه داد است که آنرا بصورت مبارزه میان مسلمانان و مسیحی جلوه دهد و بدین ترتیب جمهوری متحد عرب و سایر کشورهای را که از مبارزه استقلال طلبان قبرس حمایت میکنند، به مخالفت با مسلمانان متهم سازد.

حقیقت اینست که دولت اتحاد شوروی و جمال عبدالناصر نه از مبارزه مسیحیان بر ضد مسلمانان، بلکه از مبارزه نیروهای استقلال طلب و متروقی بر ضد نیروهای دست‌نشانده امپریالیسم امریکایی و انگلستان حمایت میکنند. این سیاست است کاملاً صحیح، بنفع استقلال و حاکمیت ملی قبرس و بنفع تمام ساکنین آن، اعم از مسیحی و مسلمان، اعم از یونانی و ترک، کوشش روزنامه‌های ارتجاعی ایران عیب و بی حاصل است. آن روزگار که محافل ارتجاعی وابسته به استعمار می‌توانستند با تکیه به احساسات مذهبی مردم حقایق را قلب کنند و بمقتضای سوء خویش بفرستند، گذشته است. رژیم شاه نمیتواند کسی را بغویید. این همان رژیم است که یکسال و نیم پیش در روز عاشورا هزاران مردم بیگناه را در خاک و خون غلطاند. چنین رژیمی حق ندارد دم از مذهب بزند و خود را حامی اسلام و دیگران را دشمن اسلام بشمار آورد.

جوادی

بقیه از صفحه ۱

اعتراف بشکست

کرد و بخش دولتی اقتصاد را توسعه داد. در یک کلمه باید راه رشد غیر سرمایه داری را در پیش گرفت. ما همچنین خاطر نشان ساختیم که سیاست دولت در توسعه سرمایه داری خصوصی، سیاست بسط سرمایه داری خصوصی ملی هم نیست، بلکه سیاست تقویت سرمایه داری کومپرادور است. زیرا با سیاست اقتصادی کنونی دولت، سرمایه داران ملی جرأت و قدرت بسط سرمایه گذاری در صنایع را ندارند. در شرایطی که سیاست در های باز، مصنوعات داخلی را در معرض رقابت نامتساوی با کالا های خارجی قرار میدهد و موجب تعطیل کارخانه های موجود و ورشکستگی صاحبان آن میشود، هنگامیکه امتیازاتی برای سرمایه گذاری خارجی قائل میشوند که حتی بنا تصدیق رئیس کمیسیون جلب سرمایه های خارجی در بسیاری از کشور های دیگر بیسابقه است و بدین ترتیب سرمایه داران ایرانی را باز هم در برابر رقابت نامتساوی با سرمایه دار خارجی قرار میدهند، وقتی که صادرات ایران بسبب فقدان حمایت دولت باز هم بنا باعتراف خود مقامات دولتی در معرض خطر جدی قرار دارد، زمانی که فشار دستگاه دولتی و مقررات متناقض و بی ثباتی واقعی سیاسی و اقتصادی رژیم کودتا هرگونه امیدی را در سرمایه دار ایرانی - که بهر حال طالب سود است - برای سرمایه گذاری در صنایع از بین میرد، چگونه میتوان انتظار داشت که سرمایه داران بسرمایه گذاری در صنایع تشویق شوند؟ مگر محدود کردن

بقیه از صفحه ۱

دانشجویان ایرانی خارج از کشور!

شکستن نیروهای مخالف خود باز هم بطور عمده به زور متوسل میشود. نتیجه اینکه فقط با مبارزه میتوان توطئه های ضد دانشجویی را بشکست و روبرو کرد. تجربه مبارزات سالهای گذشته در مورد جلوگیری از تمدید گذرنامه های برخی از دانشجویان در امریکا، اتریش و آلمان غربی نشان میدهد که امکان پیروزی این مبارزه کاملاً وجود دارد. تنها شرط آن اینست که سازمان های دانشجویی و همه دانشجویان متحداً و باتمام نیروی خود به افشاء و جلوگیری از عملی شدن توطئه سازمان امنیت برخیزند. در این مبارزه میتوان از افکار عمومی، از سازمانهای دانشجویی ملی در کشورهای غربی و از سازمانهای دانشجویی خارجی در کشورهای غربی و همچنین از سازمانهای بین المللی دانشجویی و غیر دانشجویی کمک گرفت.

دانشجویان ایرانی خارج از کشور! یکبار دیگر نهضت دانشجویی در برابر آزمایش جدیدی قرار گرفته است. شما که طی سالهای مبارزه فدائ کارانه توانسته اید جنبشی وسیع و نیرومند بوجود آورید باید ثابت کنید که از آزمایش جدید سر بلندتر، آبدیده تر و نیرومند تر بیرون خواهید آمد. با مبارزه متحد خود مشت محکمی بدهان توطئه گران سازمان امنیت وارد آورید و نشان دهید که در راه دفاع از حقوق صنفی خود از هیچ کوششی دریغ نخواهید کرد.

ورود قند و شکر بعلت خطر ناشی از نوسان قیمت ها و رقابت با تولید داخلی اعتراف به نادرست بودن لغو انحصار قند و شکر بطور اخص و توسعه سرمایه داری خصوصی بطور اعم نیست؟ مگر گله و شکایت نخست وزیر در جلسه اخیر اطاق بازرگانی مبنی بر اینکه سرمایه گذاری خصوصی با «سرعت مورد نیاز» پیش نیرود، اعتراف بشکست سیاست صنعتی کردن از راه سرمایه گذاری خصوصی نیست؟

جالب اینجاست که نخست وزیر تهدید کرده است که «اگر احتمالاً سرمایه گذاری خصوصی در کشور نتواند با آن سرعت مورد نیاز پیشروی نماید بدون تردید دولت باید جبران آنرا در بخش عمومی بکند. رشد اقتصادی نمیتواند متوقف شود و آینده کشور دستخوش هوی و هوس این و آن شود.» در جای دیگر نخست وزیر از سرمایه داران خواسته است که بدنبال نفع نروند و حداکثر طالب سودعادل باشند. وزیر اقتصاد هم در یک مصاحبه مطبوعاتی گفته است «کشور مبیایست صنعتی گردد. صنعتی شدن برای ما یک امر جبری است. با توجه باصلاحات بزرگ اجتماعی، ما نیروی کار بیشتری در اختیار خواهیم داشت و این نیروی کار فقط در صنعت ممکن است جذب گردد. بنا بر این ما میزان رشدسریعی در صنایع خود پیش بینی خواهیم کرد و هر مقدار که بخش خصوصی انجام دهد بقیه را دولت انجام خواهد داد و اگر تمام آنرا بخش خصوصی انجام داد دولت دخالت نخواهد کرد».

معلوم نیست این آقایان که گویا «متخصص امور اقتصادی» هم هستند نیفهمند در سیاست و در گفتارشان چقدر تناقض هست و یا میفهمند و تجاهل میکنند. آخر شما که در اولین قدم برای اجرای سیاست توسعه سرمایه گذاری خصوصی، با لغو انحصار قند و شکر، کارخانه های قند داخلی را با خطر تعطیل و ورشکست روبرو کرده اید، چگونه انتظار دارید که کسی پیدا شود و باز هم در صنایع قد سرمایه گذاری کند؟ چطور میشود سرمایه دار که فقط نفع خود - آنهم نفع کلان و سهل الوصول - را در نظر دارد فرمان داد که «در فکر سود» نباشد و یا به «سود عادلانه» قناعت کند؟ چطور میتوان صنعتی کردن کشور را که «یک امر جبریست» به تصمیم سرمایه دار موکول کرد؟

حقیقت اینست که سیاست اقتصادی دولت در اساس خود غلط و زیانبخش است. بطور کلی بدلیل اینکه بسط سرمایه داری خصوصی اقتصاد ما را بکوره راه خواهد کشاند و عقب ماندگی ما را بجای اینکه از بین ببرد بیشتر خواهد کرد. بطور اخص برای اینکه حتی سرمایه داری خصوصی ملی هم زمینه و ضمانتی برای رشد مستقل و سریع نخواهد یافت. آنکه در این میان سود میرد امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به آنست. م. انوشه

نتایج کنفرانس قاهره

مارک زکریا

دومین کنفرانس سران کشورهای عربی و دول متعهد از روز ۵ تا ۱۱ اکتبر جاری در قاهره جریان داشت. نخستین کنفرانس این کشورها، بطوریکه میدانیم ۴ سال پیش در بلگراد برگزار شد. در آن هنگام فقط ۲۴ کشور در کنفرانس شرکت کردند. ولی در دومین کنفرانس از سه قاره آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین ۵۷ کشور (و از آنجمله چند کشور بعنوان ناظر) شرکت داشتند. گرچه افزایش عده کشورهای عضو کنفرانس یعنی ۳۳ سال از ۲۴ به ۵۸ پیوسته خود پدیده مهمی است ولی از آن مهمتر افزایش نقش کشورهای نواستقلال و تأثیر روز افزون آنها در صحنه سیاست جهانی است. کشورهای مستقل آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین روز بروز بیشتر پی میبرند که با اتخاذ سیاست عدم تمهید چه نقش مثبتی میتوانند در حل معضلات بین-المللی ایفاء کنند.

از نکات بسیار جالبی که نمایندگان کشورهای غیر متعهد در سخنرانیهای خود تصریح کردند مفهوم مشخص بیطرفی و عدم تمهید بود. بر خلاف کسانی که میکوشند سیاست بیطرفی و عدم تمهید را با علامت تساوی میان شرق و غرب، میان ترقی و ارتجاع، میان سوسیالیسم و امپریالیسم مشخص کنند، رهبران اکثریت مطلق کشورهای شرکت کننده در کنفرانس روی مفهوم اصلی سیاست عدم تمهید تکیه کردند. مثلاً بن بلا رئیس جمهوری الجزیره خاطر نشان کرد که: «گرچه عدم تمهید یعنی مستقل بودن، ولی معنی این سخن آن نیست که باید از شرق و غرب بیعت اندام فاصله گرفت. زیرا این عمل در حکم بیطرفی منفی و سیاست مثبت عدم تمهید را خاطر نشان ساخت و گفت: سیاست اول بر اتخاذ موضع سبب در زمینه مسائل جهانی و سیاست دوم بر اقدامات مجدانه مثبت برای حل این مسائل و حفظ صلح در نقاط مختلف جهان مبتنی است. جمال عبدالناصر رئیس جمهوری متحده عرب بیطرفی منفی را مردود اعلام کرد و گفت بیطرفی معنایش معامله گری میان شرق و غرب نیست. هدف سیاست عدم تمهید، مجاهدت در راه همزیستی سالم است و تحکیم صلح جهانیست. کنفرانس قاهره نشان داد که فقط آن سیاست بیطرفی و عدم تمهید جنبه اصولی دارد که بر پایه فعالیت مجدانه برای تحکیم همزیستی سالم است و حفظ صلح و همکاری و ترویج بین المللی و انجام تحولات بنیادی در زمینه های اقتصادی و اجتماعی استوار باشد.

کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد نظریات خود در اعلامیه ای تحت عنوان «برنامه صلح و همکاری بین المللی» تلخیص کرد. در این مسئله دشمنان صلح و مسببین تشنج اوضاع جهان صریحاً نام برده شده اند: امپریالیسم و استثمار کهنه و نو نظام استاتی تشنج اوضاع جهان و تصادمات هستند. زیر صلح و آرامش را در سراسر جهان آنها بخطر میاندازند.

یکی از مواد اساسی اعلامیه تشریح روش کشور های غیر متعهد نسبت باصل همزیستی سالم است. است: «در اوضاع و احوال کنونی جامعه بشری باید همزیستی مسالمت آمیز را بگانه راه برای تحکیم صلح در جهانی بداند که باید بر بنیاد آزادی، برابری و عدالت برای ملی استوار باشد...»

کنفرانس مواظقت جدی خود را با منع آزمایش سلاح هسته ای و جلوگیری از اشاعه سلاح هسته ای و ممنوعیت ذخائر این سلاح اعلام داشت و ضرورت خلع سلاح عمومی و کامل را خاطر نشان ساخت. در اعلامیه کنفرانس اهمیت قرارداد مسکو درباره منع محو آزمایش سلاح هسته ای تأکید شده و تمام کشورهای را دعوت کرده است باین قرارداد پیوندند. در اعلامیه سپس در باره پیمانها و پابندهای نظامی گفته شده است: «کشور های غیر متعهد باین پیمانها و اتحادها مخالفند و کنفرانس حفظ پابندهای نظامی و ایجاد انقیاد پابندها را نایب و استغفار نیروهای خارجی جو خائ کشورهای دیگر را مدح و حکم نقض حق حاکمیت کشورهای و خطری برای آزادی و صلح جهانی میداند.»

نتایج دومین کنفرانس کشورهای غیر متعهد

دولت فرانسه آقای دکتر موسوی اصفهانی وکیل سابق مجلس را درباریس بنا بر تقاضای دولت ایران توقیف کرده است. بهانه ای که از طرف دولت ایران ارائه شده عبارتست از ایراد اتهام صدور چک بی محل از طرف آقای موسوی. روشن است که این بهانه صرفاً برای آنست که آقای موسوی اصفهانی بچنگ جلادان سازمان امنیت ایران بیافتد و با ذی فعالیت افشاگرانه اش علیه رژیم شاه بقویت برسد. والا رژیم شاه که خود پروراننده فساد است و دهها مختلس و کلاهبردار و قاچاقچی به خرج او و باگذرنامه خدمت در سوئیس و ایتالیا و فرانسه و آمریکا و انگلستان مشغول سیرو سیاحتند برای یک چک بی محل، بقرض صحت این مدعا، چنین بدست و یا نمی افتاد و تقاضای استرداد نمیکرد.

کذب ادعای دولت ایران را نظریه معتبر و جمعیت جهانی حقوقدانان دموکرات، ثابت میکنند. این جمعیت در اعلامیه خاص خود راجع بپایز داشت آقای

شکست حزب محافظه کار در انتخابات انگلستان

انتخابات انگلستان روز ۱۵ اکتبر با پیروزی حزب کارگر بنیان رسیده و هارولد ویلسون رهبر این حزب به نخست وزیری منصوب شد. بعد از ۱۳ سال این اولین بار است که حزب کارگر در انتخابات انگلستان توفیق می یابد و مأمور تشکیل دولت میشود. در این دوره چهار نخست وزیر یعنی چرچیل، ایدن، ماگ میلان و هیوم زمام امور این کشور را در دست داشتند. ولی هیچکدام به حل معضلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی انگلستان توفیق نیافتند. امروز هارولد ویلسون رهبر حزب کارگر زمامدار انگلستان است. آیا نخست وزیر جدید و حزب او قادر به حل این مشکلات خواهند بود؟ حزب کارگر انگلستان از لحاظ ماهیت با حزب محافظه کار تفاوت اساسی ندارد. در مهمترین مسائل سیاست خارجی و داخلی، این دو حزب همیشه با هم همکاری داشته اند. این دو حزب، با وجود اختلاف فاحشی که از نظر نام میان آنها وجود دارد، هر دو خدمتگذار سرمایه داری بزرگ انحصاری و هر دو سخنگو و مدافع امپریالیسم اند. حزب محافظه کار از موضع سببی اشراف انگلیسی و حزب کارگر از موضع باطلع

سیاست دولت ایران در مورد قبرس سیاستی است ارتجاعی

رونامه های ارتجاعی وابسته رژیم مطلقه ایران سعی دارند که از هر حادثه ای برای مشوب کردن افکار مردم و تحریف و اقیامت استفاده کنند. حوادثی که اکنون در قبرس میگذرد، از زمره این حوادث است. همه میدانیم که قبرس تلخند سال پیش یکی از مستعمرات انگلستان بود. مردم این جزیره بعد از سالها مبارزه دشوار و پرنهنگ و تحمل انواع مصائب و مشقات، سرانجام موفق شدند که به تسلط استعمارگران انگلیسی پایان دهند و جمهوری مستقل قبرس را بوجود آورند. در این مبارزه استقلال طلبانه تمام مردم ترقیخواه و پنهان پرست قبرس، از هر نژاد و مذهب شرکت داشتند و با تبار خون خویش بنیادین جمهوری جوان خود توفیق یافتند. ولی استعمارگران انگلیسی در همان حال که استقلال قبرس را برسمیت شناختند، با حفظ چندین پایگاه مهم هوایی و دریایی در این جزیره سعی کردند که بقابلی تسلط خود را حفظ کنند. این پایگاههای خارجی هم اکنون در قبرس وجود دارد و مبارزه ای که در قبرس جریان دارد، دنباله همان مبارزه سالهای پیش از استقلال و در حقیقت مبارزه ایست برای تأمین استقلال کامل سیاسی قبرس. روزنامه های ارتجاعی ایران و در رأس آنها اطلاعات سعی میکنند که بابت مبارزه جنبه مذهبی

استرداد آقای دکتر موسوی اصفهانی عملی است غیر قانونی

موسوی اصفهانی چنین مینویسد: «آقای موسوی اصفهانی وکیل سابق مجلس و دبیر جمعیت ایران آزاد، بر اثر تقاضای دولت ایران مورد تعقیب مقامات قضائی فرانسه قرار گرفته است. دولت ایران مدعی است که آقای موسوی اصفهانی چک بی محلی صادر کرده و این امر را دستاویز تقاضای استرداد وی قرار داده است و حال آنکه آقای موسوی صحت این اتهام را بشدت تکذیب میکند و هیچگونه دلیل جدی نیز بر صحت آن وجود ندارد. لذا بنظر میرسد که دولت ایران میکوشد تا با دادن ظاهر قانونی یکی از مخالفان سیاسی خود را از دولت فرانسه بیاز پس گیرد. اگر وضع تضییق و فشار در ایران را در نظر گیریم آقای موسوی در صورت تحویل در خطر مرگ خواهد بود. «جمعیت جهانی حقوقدانان دموکرات»، اظهار امید میکند که تقاضای استرداد دولت ایران رد شود و آقای موسوی از خطری که تهدیدش میکند، رها گردد.

چنین است متن اعلامیه جمعیت حقوقدانان دموکرات. خود آقای موسوی از زندان پاریس پیلی برای افکار عمومی فرانسه، فرستاده است که در مطبوعات این کشور چاپ شده. آقای موسوی در این پیام مینویسد: «دولت قبه کار شاه استرداد مرا از دولت فرانسه خواسته است تا مجازات اعدام را در حق من مجری دارد. معلوم است دولت شاه جنایت و فساد اعمال فشار در داخل کشور را کافی نمیداند و جل دست به تعقیب کسانی در خارج از کشور زده است که مخالف سیاست وی هستند. فرانسه مهد آزادی و دموکراسی است و بیشک بداد یاران آزادی خواهد رسید و بهیچ روی به خائنین نسبت بمنافع ملک و ملت ما کمک نخواهد کرد.»

تقاضای استرداد آقای موسوی که متعاقب انتقاد قرار داد استرداد مجرمین با دولت فرانسه صورت گرفته است بخوبی نشان میدهد که هدف دولت شاه از اسرار در انتقاد این قبیل پیمانها با دولت های غربی پیوسته است. امان فدرال و فرانسه و اطرش جز اعمال فشار نیست. بمخالفین رژیم که اکثریت مطلق دانشجویان و سایر ایرانیان مقیم این کشورها را تشکیل میدهند چیز دیگری نیست.

دولت ایران بخوبی میداند که طبق اصول مسلم حقوق بین الملل عمومی، منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر هیچ دولتی حق ندارد افرادی را که بمناسبت عقاید سیاسی و نظریات اجتماعی خود مورد تعقیب دولت دیگری هستند مسترد نماید. به همین سبب ناچار است جرائم عمومی را بهانه خویش قرار دهد و بدین طریق تقاضای استرداد را در نزد مقامات دولتی و قضائی کشورهای دیگر توجیه کند.

با توجه به فعالیت سیاسی آقای موسوی در ایران و در خارج تودیدی نیست که تحویل وی به مقامات دولتی ایران یعنی تحویل وی بدست جلادان. ما بنوبه خود اعلام میداریم که استرداد آقای موسوی اصفهانی که بعمل سیاسی مورد تعقیب رژیم شاه است عملی غیر قانونی و آقای دکتر موسوی باید آزاد شود و از حق بنهاندگی سیاسی استفاده کند. ما بنوبه خود از افکار عمومی مردم فرانسه انتظار داریم بیاری آقای موسوی بشتابند و وی را از خطر محتوم برهانند.

های مقیم قبرس و تشویق آنها بمبارزه بر ضد یونانیان مقیم این جزیره استفاده میکنند. دولت ارتجاعی ترکیه با ایجاد یک دولت مستقل و مترقی در نزدیک مرز های خویش مخالف است. محافل حاکمه ترکیه تصور میکنند که وجود چنین دولتی در قبرس، بیا توجه باینکه بخشی از ساکنین آن ترک هستند، میتواند در تضعیف رژیم ارتجاعی ترکیه نقش قابل توجهی بازی کند. به همین دلیل است که با تمام قوا در کار اخلاص مبارزه استقلال طلبانه مردم قبرس هستند.

اما نیرنگ رژیم شاه نیز واضح است. رژیم شاه با جنبش های نجات بخش ملی آسیا و آفریقا و با دولت های که در این دو قاره راه تکامل سیاسی و اقتصادی مستقل در پیش گرفته اند مخالف است. کین و نفرت تمام قوا و با استفاده از تمام وسائل برای تحریک ترک